

باور بلاگردانی در قوم بختیاری

محمود آقاخانی بیژنی*^۱ سید مرتضی هاشمی باباحیدری^۲ اسماعیل صادقی^۳

(تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۱۱، تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۳)

چکیده

قربانی آیینی مذهبی است که در میان اقوام و ملل مختلف با اهداف گوناگون رواج دارد. بسیاری از سنت‌های دینی برای دور ماندن از بلا یا و یا رفع آن، کشتن حیوانی را توصیه می‌کنند. باور بلاگردانی میان قوم بختیاری با هدف انتقال شر و دور ریختن آن در اشکال خونی و غیر خونی است. قوم بختیاری بر اساس آموزه‌های دین اسلام و در روز عید قربان، بر فراز کوه‌ها به قربانی حیواناتی همچون گوسفند، بز و گاو می‌پردازند. شکل دیگر خون‌ریزی برای دفع شر، چشم‌زخم و بلا، هنگام جشن عروسی و ... است. از دیگر نمودهای بلاگردانی می‌توان به موارد غیرخونی مانند دم‌بند کردن و دعانویسی اشاره کرد. هدف این پژوهش، تحلیل چگونگی برگزاری مراسم، هدف و اشکال باور بلاگردانی با خون از جمله قربانی و خون‌ریختن و غیر خونی در قوم بختیاری است. این پژوهش به شکل بنیادی، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای میدانی و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. قوم بختیاری عمل آیینی قربانی را

۱. دانشجوی دکتری ادبیات حماسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

* Aghakani46@yahoo.com

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهرکرد

برای پیروی از فرمان الهی انجام می‌دهند؛ اما برخی از اعمال این قوم مانند انجام قربانی در بالای کوه، پرورش و تزئین حیوان و بریدن سر آن در پای درخت، ریختن خون بر زمین (جرعه‌افشانی)، مالیدن آن بر سروصورت و همچنین بستن مهره‌ها و بازوبندها در پارچه تیره‌رنگ، نمودی اساطیری دارند.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ عامه، قوم بختیاری، مردم‌شناسی، باور بلاگردانی، آیین قربانی، بلاگردانی غیرخونی.

۱. مقدمه

مطالعه قصص، معتقدات، آداب و رسوم، اسطوره‌ها، ترانه‌ها، متل‌ها و لطیفه‌های هر قوم و قبیله، اساس شناخت فرهنگ عامه آن قوم یا ملت را فراهم می‌آورد (انجوی، ۱۳۵۲: ۱۲). در گذشته جنبه‌های گوناگونی برای انتقال شر وجود داشته است و انسان‌ها همیشه در تلاش بودند تا با انجام برخی کارها مانند قربانی کردن، خون‌ریختن، دعانویسی و بستن آن بر بازو، دعا و نیایش و امثال این‌ها شر و بلا را دفع کنند (فریزر، ۱۳۸۸: ۵۹۳-۵۹۷). فلسفه انتقال شر به دو دلیل نزد انسان‌ها رایج بوده است؛ یکی آنکه انسان ابتدایی با توجه به فکر مرموز و غریب خود که حاکی از عدم شناخت طبیعت اطرافش بوده، به‌راحتی حاضر نبوده است تا سلطه طبیعت را بپذیرد؛ بنابراین برای بسط و شرح آن به راه‌حل‌های متفاوتی از جمله قربانی کردن، دعا و نیایش و... روی می‌آورد. همچنین به این طریق و با انتقال درد و محنت به آسانی به اشیای مادی دست می‌یافت و پس از انتقال شر به اشیای مادی، آن‌ها را دور می‌انداخت (خوارزمی، ۱۳۹۲: ۳-۴). انتقال شر و بلاگردانی به شکل مستقیم و غیرمستقیم با خون انجام می‌شود و قربانی و خون‌ریختن از موارد بلاگردانی خونی و راه‌های انتقال شر در نزد انسان‌هاست.

قوم (یا ایل) بختیاری، یکی از طوایف بزرگ ایران زمین است که از دو شاخه هفت‌لنگ و چهارلنگ تشکیل شده و خاکشان بین اصفهان، لرستان و خوزستان واقع است. نکته مهم این است که این ایل، ایرانی‌نژادند؛ زیرا در طول تاریخ زبان این طایفه با عرب و ترک مخلوط نشده است. همچنین قوم بختیاری از بازماندگان ایران قدیم هستند و سوابق تاریخی شش یا هفت‌هزار ساله دارند (قنبری‌عدیوی، ۱۳۸۱: ۴۰). زبان بختیاری همان زبان تحریف‌شده پهلوی قدیم است. این قوم در اعصار گذشته در این

منطقه از جهان اقامت گزیده‌اند و از یک نژاد ممتاز هستند (بختیاری، ۱۳۶۲: ۵). قوم بختیاری برای جلب رضای خدا و همچنین انتقال شر و بلاگردانی، بر اساس آموزه‌های دین اسلام و در روز عید قربان، بر فراز کوه‌ها به قربانی حیواناتی همچون گوسفند، بز و گاو می‌پردازند. نوع دیگر خون‌ریختن مربوط به دفع چشم‌زخم در هنگام رفتن به خانه نو، جشن عروسی، موفقیت‌های بزرگ، خریدهای مهم و امثال این‌هاست. دعانویسی، دم‌بند کردن، شکستن تخم‌مرغ، دادن چیزی سفیدرنگ به یتیمان، اسفند دود کردن و امثال این‌ها از دیگر موارد بلاگردانی غیر خونی در قوم بختیاری است.

آشنایی با تحلیل باور بلاگردانی به صورت خونی مانند آیین قربانی و خون‌ریختن و غیر خونی مانند دعانویسی و دم‌بند کردن جهت دفع بلا و چشم‌زخم و کارکرد و چگونگی کیفیت آن در قوم بختیاری، هدف اصلی این پژوهش است. این پژوهش به شکل بنیادی، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای - میدانی و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. علاوه بر استفاده از منابع و اسناد کتابخانه‌ای در تحلیل باور بلاگردانی خونی و غیرخونی و همچنین رسم قربانی در ادیان و اساطیر، در شیوه میدانی از روش مصاحبه با افرادی از مردم قوم بختیاری در جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر استفاده شده است.

سؤالات مهم پژوهش این است که آیا آیین قربانی در نزد قوم بختیاری برای بلاگردانی استفاده می‌شود؟ آیا پس از قرن‌ها، باورهای اساطیری این آیین همچنان حفظ شده‌اند؟ آیا می‌توان بعد از تحلیل باور بلاگردانی با خون در قوم بختیاری و فلسفه خون‌ریختن برای دفع و انتقال شر، به تعریفی دست یافت که میان قربانی در معنای خاص (مانند عید قربان) و عام (بعد از دیدن خواب‌های وحشتناک و...) تفاوت قائل شد؟ بلاگردانی غیر خونی در قوم بختیاری چه نموده‌ها و کارکردی دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده تاکنون درباره باور بلاگردانی در قوم بختیاری، مطالعات و پژوهش‌هایی انجام نگرفته است؛ اما برخی از پژوهش‌ها به باور بلاگردانی در فرهنگ اقوام و متون ادبی فارسی پرداخته‌اند که به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. حمیدرضا خوارزمی (۱۳۹۲). «باور بلاگردانی در شاهنامه». فرهنگ و ادبیات عامه. دوره ۱. ش ۲. صص ۱-۲۴. در این پژوهش، باور بلاگردانی خونی و غیر خونی در داستان‌های شاهنامه بررسی شده است.
۲. غلامحسین غلامحسین‌زاده و همکاران (۱۳۸۹). «عوامل چشم‌زخم در شعر شاعران فارسی». کهن‌نامه ادب فارسی. س ۱. ش ۱. صص ۹۳-۱۱۰. در این پژوهش، ضمن معنی‌شناسی لغت چشم‌زخم، عوامل شکل‌گیری و چگونگی رفع بلا از آن در اشعار شاعران فارسی بررسی شده است.
۳. حسین لسان (۱۳۵۵). «قربانی از روزگار کهن تا امروز». هنر و مردم. ش ۱۶۷. صص ۶۰-۷۰. در این پژوهش، سیر تاریخی عمل آینی قربانی از روزگاران کهن تا امروز بررسی شده است که بیشتر بر چگونگی عمل قربانی شتر در دوره مغولان و صفویه بحث شده است.
۴. سجاد آیدنلو (۱۳۸۹). «بررسی و تحلیل چند رسم پهلوانی». مطالعات داستانی. س ۱. ش ۱. صص ۵-۳۶. در این پژوهش، به سنت خون‌خواری و عوامل بلاگردانی مانند بستن مهره بر بازو و امثال این‌ها بحث شده است.

۳. چارچوب نظری

۳-۱. باور بلاگردانی و چگونگی انتقال آن

انسان ابتدایی فکر می‌کرد که می‌توان گناهان و درد و رنج خود را به کسی دیگر انتقال داد. این فکر از درآمیختن عینیات و ذهنیات امری مادی و غیرمادی ناشی می‌شود؛ چنان‌که می‌تواند بار درد و محنتش را به دیگری انتقال دهد. به همین دلیل بشر برای بلاگردانی از روش‌های گوناگون استفاده می‌کرده است که ممکن بود شری را که انسان درصدد است خود را از آن رها سازد، علاوه بر انسان، به اشیا و حیوان نیز انتقال دهد (فریزر، ۱۳۸۸: ۵۹۳). پس بشر برای بلاگردانی از روش‌های بلاگردانی با خون مانند قربانی، خون‌ریختن، کشتن انسان و حیوان و بلاگردانی غیرخونی مانند بستن مهره به بازو، بستن بازو، دعای چشم‌زخم در ورودی سقف خانه، اسفند دود کردن در جشن‌ها و امثال این‌ها استفاده می‌کرده است. آیین‌های مربوط به بلاگردانی متفاوت است و اقلیم‌های گوناگون یکی از

دلایل شکل‌گیری انواع بلاگردانی است. در گذشته شکل زیستی و محدود جوامع و به تبع آن شرایط سخت و نامناسب و بروز بیماری‌های ناخواسته، انسان را برای پیشگیری دفع حوادث به فکر وامی‌داشت. به همین دلیل از انسان، حیوان و اشیا به روش‌های گوناگون برای بلاگردانی استفاده می‌شد. با پیشرفت انسان و آمدن پیامبران، قربانی حیوان برای جلوگیری از بلاگردانی جای قربانی انسان را گرفت و هنوز هم در جوامع رایج است (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۸۹). در این پژوهش به تحلیل بلاگردانی خونی با تکیه بر عنصر قربانی حیوان و سنت خون‌ریختن و همچنین بلاگردانی غیر خونی با توجه به عناصری همچون دعای چشم‌زخم، دم‌بند کردن، بستن مهره و امثال این‌ها با توجه به جنبه‌های ادبی در قوم بختیاری می‌پردازیم. همچنین در ادامه چگونگی کیفیت، هدف و شکل قربانی در قوم بختیاری را تحلیل خواهیم کرد و به این سؤالات پاسخ خواهیم داد که قربانی تا چه حد در نزد این قوم جهت بلاگردانی اهمیت دارد؟ و همچنین بلاگردانی غیر خونی چه نمودها و کارکردی در این قوم دارند؟

۳-۲. باور بلاگردانی در قوم بختیاری

باور بلاگردانی در نزد قوم بختیاری برای انتقال شر و دور ریختن آن در اشکال خونی و غیر خونی انجام می‌گیرد. در این پژوهش به بررسی بلاگردانی مستقیم با خون در اشکال قربانی و خون‌ریختن در قوم بختیاری می‌پردازیم.

۳-۲-۱. رمزگشایی و مراحل انجام مراسم آیین قربانی (بلاگردانی با خون) در قوم بختیاری
قربانی دادن از دوره پارینه‌سنگی معمول بوده و در دوره نوسنگی (مادرتباری یا زن‌سالاری) با رواج کشاورزی یا زمین‌مادر گسترش یافته است. از دوره نوسنگی با رویکرد به زنده‌پنداری پدیده‌های طبیعت، قربانی همه نموده‌های رازانگیز طبیعت را برای انسان در برمی‌گیرد و قربانی دادن برای کوه‌ها، رودها، چشمه‌ها و ... ادامه می‌یابد و در دوره تاریخی نیز بقایای آن در فرهنگ مردم باقی می‌ماند (هینلز، ۱۳۹۳: ۳۴۳). پیشینه تاریخی قربانی به اساطیر بومیان ایران باستان، اقوام آریایی (اقوام هندوایرانی) و یونان

باستان برای جلوگیری از خشم خدایان و اقوام سامی (ذبح حضرت اسماعیل^ع) برای تقرب به خدای یگانه برمی‌گردد.

در اساطیر پیشازرتشتی، پرستش خدایان و انجام نیایش و قربانی‌ها فقط برای بلاگردانی، تأمین مادیات زندگی، فراوانی محصول، باران مساعد، پیروزی در جنگ، توفیق در شکار، زیادی اولاد و دستیابی به موفقیت‌های روزانه انجام می‌پذیرفت (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۶۶). آیین قربانی در ایران بر روی کوه‌ها انجام می‌شد (لسان، ۱۳۵۵: ۶۱) و مردم برای الهه‌های آب و روشنایی، یعنی آناهیتا و مهر و همچنین خورشید قربانی می‌کردند. بررسی میدانی در مناطقی که هنوز دست‌نخورده باقی‌مانده‌اند، نشان می‌دهد که باورهای اساطیری پس از قرن‌ها همچنان زنده است و با اندکی تغییر و تحول به حیات خود ادامه می‌دهند. از آنجا که قوم بختیاری یکی از قوم‌های اصیل ایرانی است، برخی از نمودهای فرهنگ این قوم بازتابی اساطیری در فرهنگ ایران باستان دارند. از جمله این آیین‌ها، اسطوره قربانی و خون‌ریختن است که در اشکال متفاوت و اهداف گوناگون برای پیروی از فرمان الهی (کمک به فقرا)، دفع شر و بلاگردانی نمود یافته است. در ادامه و با توجه به پیشینه قربانی، به تحلیل مراحل انجام این عمل در قوم بختیاری می‌پردازیم.

۱-۲-۳. نیت و هدف انجام کار خیر (جلب رضای خدا)

گام نخست در عمل آیینی قربانی در قوم بختیاری، نیت به انجام عمل کار خیر است که به‌نوعی پیروی از فرمان الهی است. در *قرآن کریم* نیز به انجام عمل قربانی سفارش شده است که هم از نظر داستانی و هم از نظر هدف و انگیزه با جوامع ماقبل تفاوت اساسی دارد. جوامع پیش از اسلام برای ترس و جلوگیری از خشم خدایان به انجام عمل قربانی روی می‌آوردند؛ حال آنکه «قربانی در *قرآن* وسیله‌ای برای هدایت بندگان به سوی اطاعت [به پا داشتن نماز، انفاق و توکل] و تقرب به سوی خداست» (واحدوست، ۱۳۸۷: ۴۷۳) و خداوند با انجام این عمل، بندگان را امتحان می‌کند. عمل استطاعه (کسی که مال فراوان دارد) برای این است که فرد چقدر می‌تواند از مال خود

برای رضای خدا صرف نظر کند و بدین طریق فرد عدم دل‌بستگی‌اش به دنیا و ایمان را به خدا نشان می‌دهد.

در قرآن برای قربانی به کلمه «هدی» اشاره شده است که در موسم حج ذبح می‌شود و هم به معنای پیشکش کردن است که اصل آن بر دو صورت است: یا از هدیه گرفته شده و به معنای تحفه است و یا به معنای هدایتی است که انسان را به سوی مقصود سوق می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۵۲۲-۵۲۳) و برای رضای خدا و انجام فریضه حج «وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ» (حج/ ۲۲/ ۳۶)؛ شکرگزاری «وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ» (همان/ ۳۷)؛ کمک به فقرا «وَأَطِيعُوا أَلْبَاسَ الْفَقِيرِ» (همان/ ۲۸)؛ و رفع شر و بلاها از مؤمنان از جانب خداوند «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ» (همان/ ۳۸) صورت می‌گیرد. این عمل در داستان حضرت ابراهیم^(ع) در قرآن ذکر شده است.

مهم‌ترین هدف قربانی در قوم بختیاری، پیروی از فرمان الهی و رهنمودهای قرآن کریم، ایجاد طلسم و بلاگردانی و همچنین ممانعت از انجام عملی و یا روی دادن امری است؛ یعنی آنان با قربانی حیوان و ریختن خون در مواقعی مانند رفتن به خانه نو، هنگام جشن عروسی، تولد بچه و ... طلسمی را به واسطه این خون ریختن برای جلوگیری از بروز بلاها و دفع شر و رضایت خداوند ایجاد می‌کنند و بدین گونه خود را در امان می‌دارند. به همین دلیل آنان تکه‌ای از استخوان حیوان قربانی شده را در خانه نگه می‌دارند.

۲-۱-۳. انتخاب حیوان نر و پرورش خاص آن

بر اساس نیت خیر، هنگام زایش ابتدا حیوانی (معمولاً نر) از میان گله و از میان گوسفند، بز و گاو انتخاب می‌شود؛ زیرا «در ایران باستان قربانی اسب، گاو و گوسفند رایج بوده است» (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۸۷). در مصاحبه با چند تن از مردم بختیاری در مناطق مختلف از جمله خوزستان و چهارمحال و بختیاری فقط قربانی گوسفند، گاو، بز و در بعضی مواقع خروس سفیدرنگ رایج بوده است و قربانی شتر در این مناطق مرسوم نیست. در یشت‌ها هم به قربانی حیواناتی مانند: اسب، گاو و گوسفند اشاره می‌شود؛ چنان‌که در

آبان‌یشت کرده ۷، فقره ۲۵ به قربانی جمشید برای آردویسور اناهید (آناهیتا) اشاره شده است: «از برای او جمشید دارنده گله و رمه خوب در بالای کوه هکر، صد اسب، هزار گاو و ده هزار گوسفند قربانی کرد» (یشت‌ها، ۱۳۴۷: ۲۴۰).

در اسلام نیز به قربانی کردن گوسفند، شتر و بز سفارش شده است (لسان، ۱۳۵۵: ۶۶). در قوم بختیاری معمولاً گوسفند را برای قربانی انتخاب می‌کنند؛ زیرا حیوانی وابسته به زایش و بارورکننده، ستبر، فربه و مناسب قربانی در بسیاری از ادیان است و همچنین آن را نمادی «از لطف، بخشش الهی و ظهور محسوس و رؤیت‌شدنی فره ایزدی» (رستگارفسایی، ۱۳۸۸: ۶۱) می‌دانند. معمولاً این کار از سوی مادر خانه انجام می‌گیرد.

مرحله بعدی قربانی، پرورش خاص حیوان انتخاب‌شده است. حیوان مورد قربانی دارای شرایطی است «از جمله آنکه نباید لاغر، ناقص، بریده‌گوش، شاخ شکسته، درازگوش و گرگین باشد» (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۸۵). به همین دلیل حیوان را دور از سایر گله با بهترین غذاها شامل جو، یونجه، شبدر و آب‌نمک پروار می‌کنند. این عمل را مادر خانه تا روز قبل از قربانی انجام می‌دهد. محل نگهداری حیوان مورد قربانی نیز جدا از دیگر دام‌هاست به گونه‌ای که شاید به ندرت راهی کوه و یا صحرا شود.

۳-۲-۱-۳. تزیین قربانی

سومین مرحله قربانی، شست‌وشو و تزیین آن است. در این مرحله حیوان انتخاب‌شده معمولاً گوسفند یا گاو (در خانواده‌های ثروتمند و گله‌دار) یا خروس (در خانواده‌های کم‌درآمد) را در چشمه با آب پاک می‌شویند. «این عمل، سبب پاک‌شدن حیوان از آلودگی‌هاست تا آثار مقدس قربانی با آلودگی‌های غیردینی مخلوط نگردد» (همان، ۲۶). در روز قربانی به تزیین حیوان می‌پردازند. تزیین و آراستن معمولاً به زدن موها، سرمه-ریختن در چشمان و حنا گذاشتن بر پیشانی و کمر حیوان است. تزیین قربانی در قوم بختیاری یادآور رسم ایران باستان است که «حیوان را به جایگاهی پاک می‌بردند و پوشاک سر آن با تاج گل‌ها تزیین می‌شد» (همان، ۸۰).

۴-۲-۱. انجام قربانی در روز عید قربان همراه با شادی

مرحله بعد، انجام عمل قربانی در روز عید قربان است. در این روز مردم روستا از کوچک و بزرگ در خانه مُلا^۱ (میرزا، استاد) روستا جمع می‌شوند. ملا یکی از شخصیت‌های مهم در مدیریت فرهنگ روستاست. این شخصیت هم باید باسواد باشد و هم از نظر اخلاقی مورد اعتماد مردم روستا و الگویی برای آن‌ها باشد (ثروت و انزایی- نژاد، ۱۳۷۷: ذیل واژه). ملا آیات سوره حج را با صوتی خوش می‌خواند و سپس درحالی که عده‌ای نی، ساز (کرنا) و دهل می‌نوازند، راهی کوه یا پشته‌ای بلند می‌شوند. سپس در بالای کوه، آتشی بزرگ برپا می‌کنند و به شادی می‌پردازند. ایرانیان باستان نیز «هنگام قربانی جشن بر پا کرده و خود را با باده هوم مست می‌کردند و در حالی که از خود، بی‌خود گشته بودند، به قربانی گاوان نر می‌پرداختند» (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۸۲). آنان با خواندن اشعار محلی و شاهنامه‌خوانی به انجام قربانی مشغول می‌شوند. معمولاً زنان با صوتی خوش، اشعار محلی را می‌خوانند:

قربون خوا برم میشش بزایه برشه نذر ایکنم یارش بیایه

ghorbone khoa berom mi e bezayeh/ bara a nazr eikenom yare byayeh

برگردان: قربان خدا بروم تا میش او بزاید، بره‌اش را نذر می‌کنم تا یارش بیاید. همچنین شاهنامه‌خوانی در طایفه بختیاری قدمتی دیرینه دارد و این مسئله اگرچه به صورت مکتوب بیان نشده است؛ اما روایت‌های شفاهی مردم این طایفه، بیانگر چنین رویدادی در بین گذشتگان‌شان بوده است. طایفه بختیاری سعی‌شان بر این بوده است تا این رسم کهن و دیرینه را حفظ و آن را از نسلی به نسل دیگر منتقل کنند. برای حفظ این سنت، آن‌ها در زمان، مکان و موقعیت‌های خاصی به شاهنامه‌خوانی می‌پردازند. هنگامی که در منطقه بختیاری سخن از شاهنامه به میان می‌آید گویی همه افراد، پیوند دیرینه‌ای با این کتاب بزرگ دارند و می‌خواهند به گونه‌ای خود را به آن نزدیک جلوه دهند؛ زیرا در این منطقه بعد از قرآن، کتابی که بیشتر در طاقچه‌های خانه‌ها دیده می‌شود، شاهنامه است و تنها بهانه نوجوانان که در زمان گذشته به مکتب می‌رفتند و در کلاس درس ملاها حاضر می‌شدند، یادگرفتن سواد برای شاهنامه‌خوانی بوده است. این

سخن مورد تأیید است؛ زیرا می‌توان بهترین شاهنامه‌خوان‌های کشور را در این منطقه جست‌وجو کرد.

بیشترین اشعاری که از شاهنامه فردوسی در روز عید قربان می‌خوانند، مربوط به بی‌وفایی دنیا، تأکید بر خرد و خردورزی، کشته‌شدن سیاوش در توران‌زمین و دعوت به صلح و پرهیز از جنگ است. موسیقی بختیاری «برگرفته از موسیقی زیبای جریان رودخانه‌ها و آواز دل‌نشین پرندگان است که کوشش، حرکت و جنبش شبانه‌روزی را در میان آنان ایجاد کرده است» (قنبری‌عدیوی، ۱۳۸۱: ۳۶). همچنین بیانگر روحیه حماسی این طایفه است و این مسئله را می‌توان از نوع سازهای آنان متوجه شد؛ زیرا طایفه بختیاری چه در مجالس عزا، از ساز چپ یا همان نگون‌سار کوس در شاهنامه (حاجت‌پوریرگانی، ۱۳۸۶: ۱۰۶) و چه در مجالس جشن، از یک نوع ساز استفاده می‌کنند و آن کرنا و دهل است که از سازهای رزمی شاهنامه هستند:

همان ناله کوس با کره نای برآمد ز دهلیز پرده‌سرای

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۱۰)

در میان اقوام، فرهنگ‌ها و ادیان مختلف، جایگاه نذورات به اشکال متفاوتی و بنا به نوع کاربرد آن ظاهر شده است. مکان و جایگاه قربانی معمولاً از سنگ، چوب، فلز، سفال و جز آن ساخته می‌شد. آیین قربانی در قوم بختیاری در مکانی رفیع و برافراشته، یعنی بر روی کوه‌ها، پشته‌ها و یا اماکن مقدس مانند مرقد امام‌زاده‌ها در کوه‌ها و در گودالی که زیر درخت حفر می‌کنند، انجام می‌گیرد و دلیلش آن است که قوم بختیاری بیشتر در دامنه‌های ارتفاعات زاگرس و جلگه‌های حاصل‌خیز مجاور زندگی می‌کنند (قنبری‌عدیوی، ۱۳۸۱: ۳۶). همچنین این امر یادآور قربانی در ایران کهن بر روی کوه‌ها و برای الهه‌های آب و روشنایی، یعنی آناهیتا و مهر و همچنین خورشید است (لسان، ۱۳۵۵: ۶۱). دیگر آنکه مردم معتقدند نوک کوه به آسمان نزدیک است و آسمان را جایگاه خدا و خاستگاه باران می‌دانند. این مسئله پیشینه‌ای اساطیری دارد؛ زیرا مردم معتقد بودند «نوک پشته [یا کوه] به آسمان و جایگاه خدا و خورشید نزدیک است» (هینلز، ۱۳۹۳: ۷۳). در نزد قوم سکاها نیز چنین عملی رواج داشته است؛ زیرا آنان پس از شستن سر اسیر با شراب و تزیین آن، گلوی اسیر را در بالای پشته‌ای بر روی ظرفی

می‌بریدند. نزدیک پشته، بازو و کتف راست قربانی را از پیکرش جدا می‌ساختند و به سوی آسمان پرتاب می‌کردند؛ یعنی نثار خدای خورشید می‌ساختند (واحددوست، ۱۳۸۷: ۴۷۴؛ مصطفوی، ۱۳۶۹: ۷۲). قربانی در زیر درخت یادآور یکی از «کهن‌الگوهای معروف در گستره جهان اساطیر و رویدن گیاه از خون است که این امر پیوند هر چه استوارتر خدای گیاهی را با سرسبزی و باروری طبیعت نشان می‌دهد و سرشت بارورانه آن‌ها را برجسته‌تر می‌کند» (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۷۰).

آنان به حیوان قربانی مقداری آب می‌دهند و او را رو به قبله بر سر گودال می‌خوابانند. ملا دعایی را می‌خواند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ هَذَا عَنِّي وَعَنْ مَنْ لَمْ يُضَحَّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي^۲، يَا ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»، سپس خود با ذکر صلوات شروع به بریدن سر حیوان می‌کند. بریدن سر حیوان به وسیله بزرگان که می‌تواند خان، کدخد، ملا، بزرگ خاندان و ... باشد، سابقه‌ای دیرینه در ایران دارد. در دوران پیش از زرتشت، قربانی در راه خدایانی چون مهر و آناهیتا به وسیله شاه انجام می‌گرفت. «از برای او [آناهیتا] هوشنگ پیشدادی در بالای (کوه) هرا صد اسپ، هزار گاو و ده هزار گوسفند قربانی کرد» (آبان‌یشت، ۱۳۴۷: ۲۴۳). همچنین «در زمان صفویان و در روز برگزاری جشن، حیوان به وسیله یک شخص والامقام (شاه، شاهزاده، موبد، روحانی و...) با رضایت از انجام عمل قربانی و همراه شادی، سربریده می‌شد» (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۳۳). خون حیوان در داخل گودال ریخته می‌شود. علاوه بر این مقداری از خون آن را در جامی می‌ریزند و ضمن جرعه‌افشانی بر خاک، بر پیشانی تا نوک بینی افراد می‌مالند. این امر نمودی اساطیری دارد؛ زیرا به عقیده ایرانیان باستان «خونی که به یاد بگ مهر و ایزدان دیگر بر زمین سرد و افسرده ریخته می‌شد، جنبش و رویش را برای زمین و جهان هستی به بار می‌آورد. زمین نیز شور و مستی می‌کند. سرمایه خود را در طبق اخلاص می‌گذارد و آن را رایگان در دسترس همگان قرار می‌دهد (نجمی، ۱۳۹۴: ۳۵۷). رویش به سبب جرعه‌افشانی یادآور این داستان باستانی است: «در آغاز آفرینش هنگامی که گاو «یکتا داد» قربانی می‌شود، خونسش بر زمین می‌ریزد و انواع گیاهان و غلات به وجود می‌آید و موجب باروری زمین می‌شود» (انکلساریان، ۱۳۳۵: ۶۸).

جرعه افشانی خون بر خاک، یکی از فرایض دینی ایران باستان (مهرپرستی) به شمار می‌رود که در اشکال ریختن شراب و خون حیوان قربانی بر خاک انجام می‌شد. پس از ظهور زرتشت و مخالفت او با قربانی خونی، ریختن شراب، آب، شیر و عسل بر خاک بر جای ماند؛ اما ریختن شراب بر خاک، یکی از آیین‌های دین مهرپرستی است که مهرپرستان پس از زرتشت، هرگاه فرصت می‌یافتند فریضه‌های دینی خود را پنهانی انجام می‌دادند.

از آنجایی که روزگار بر مهریسنان ناخوش می‌گذشت، هرگاه می‌خواستند از این آیین سخن به میان بیاورند، چون نمی‌توانستند آشکارا آن را آیین جمشید، کیخسرو و دیگر پیشدادیان بنامند، جرعه افشانی را از نهادهای کریمان می‌دانستند و مقصود آن‌ها از واژه کریمان، پیشدادیان، جمشید و کیخسرو بوده است (نجمی، ۱۳۹۴: ۳۵۲). رنگ سرخ خون به دلیل نیرو، قدرت و بخشش، نماد زندگی است (شوالیه، ۱۳۸۸: ۹۱) و نشان گذاشتن با خون قربانی حیوان (گاو و گوسفند) بر قسمت‌هایی از بدن مانند پیشانی، صورت، سر و سینه و ... به منظور «باور داشتن به برکت قرمزی خون که اصل جان است» (مونیک، ۱۳۷۶: ۱۲۴)، عملی اعتقادی و برگرفته از آیین‌های اسطوره‌ای است که خون معنای نمادین و همانندی‌های اعتقادی یا داستانی در اساطیر ایران دارد. از جمله آغشتگی پیکر برخی پهلوانان روایات هندواروپایی به خون جانوران برای استمرار زندگی و دور کردن از بلاهاست؛ زیرا خون در باورهای باستانی و اسطوره‌ای، نماد زندگی، باروری و تجدید حیات دانسته می‌شد و از همین روی بود که نوشیدن آن، مالیدن یا گذاشتن از روی آن را مایه توانایی می‌پنداشتند (هال، ۱۳۹۰: ۲۴۳). چنان‌که در شاهنامه فردوسی، ضحاک با شستن سر و تن با خون، می‌خواست مرگ خود را به زندگی تبدیل کند (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۶: ۷۷).

۵-۱-۲-۳. تقسیم گوشت حیوان قربانی شده

در مرحله پایانی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم و سوره مبارکه حج «وَأَطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ» (۲۲ / ۲۸)، گوشت حیوان قربانی شده بین مردم روستا پخش می‌شود و معمولاً سهم فقرا از دیگر افراد روستا بیشتر است. دلیل توزیع گوشت حیوان قربانی شده آن

است که حیوان «به وسیله قربانی کردن جنبه قدسی و خدایی به خود گرفته است» (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۲۱) و مردم جهت بهره‌مندی از جنبه تقدسی آن گوشت را می‌پزند و می‌خورند؛ به همین دلیل استخوان‌های آن را نیز در همان گودالی که بر روی آن سر حیوان بریده شده است، دفن می‌کنند. سپس سنگی بر روی آن می‌گذارند و با خاک سر آن را می‌پوشانند. همچنین اعتقاد دارند که روح حیوان به بهشت می‌رود. عمل آیینی قربانی در قوم بختیاری اهمیت بسیاری برای جلب رضایت خدا در جهت دفع بلا و شر دارد و در تمامی خانه‌ها این عمل در روز عید قربان انجام می‌شود. در خانواده‌های فقیر و کم‌درآمد به جای گوسفند، خروس را انتخاب و قربانی می‌کنند و معتقدند که این عمل جهت دفع بلا و شر و حتی چشم‌زخم بسیار کارساز است.

۶-۱-۲-۳. سنت خون‌ریختن برای دفع بلا و چشم‌زخم در قوم بختیاری

نوع دوم خون‌ریختن در میان قوم بختیاری، برای دفع شر، بدی و رفع قضاست. در مراسم عروسی و هنگام خروج عروس از خانه پدری و ورود به خانه داماد، ورود شخص به خانه جدید، بعد از دیدن خواب‌های آشفته با محتوای مرگ، آمدن سیل، نابودی کشتزار، جنگیدن (البته اگر فرد در هنگام جنگیدن در خواب خونی شود معتقدند که نحوست آن از بین رفته است و در این هنگام خبری از خون‌ریختن نیست)، خریدن خودرو (یا هر چیز گران‌بهایی) و به‌دست آوردن مقام مهمی یا جان سالم به در بردن از حادثه‌ای بسیار ناگوار از خون‌ریختن استفاده می‌کنند. نکته مهم این است که در این نوع خون‌ریختن همه عناصر موجود در قربانی که در روز عید قربان بررسی و تحلیل شدند، وجود ندارند؛ یعنی نوعی آیین مذهبی نیست و فقط فصل مشترک آن‌ها، خون‌ریختن، استفاده شخصی از گوشت و نیت خیر برای دفع شر و بلاگردانی است.

یکی از موارد کاربرد طلسم کردن کارها به وسیله خون در قوم بختیاری، هنگام مرگ جوانان است. در این هنگام، حیوانی را در خانه و پشت تابوت جوانی که ناکام از دنیا رفته است، می‌کشند تا بدین طریق طلسم مرگ را باطل کنند تا به سراغ جوانان روستا نیاید. وابستگان نزدیک و فامیل‌های نسبی و سببی که در خانه خود جوان دارند، چنین عملی را انجام می‌دهند؛ زیرا معتقدند که روح جوان ناکام از دنیا رفته، چشم‌به‌راه دنیاست و کسان

نزدیک خود را با خود به دنیای دیگر خواهد برد. البته این رسم در شهرستان بافت کرمان هم وجود دارد (رک: صرفی، ۱۳۹۱: ۳۲۳-۳۲۵).

۲-۳. بلاگردانی غیر خونی در قوم بختیاری (دعانویسی، دم‌بند و...)

علاوه بر بلاگردانی خونی، بلاگردانی غیر خونی در نزد قوم بختیاری رواج و نمونه‌های بسیار دارد. در ادامه به مهم‌ترین موارد اشاره می‌کنیم و سپس به تحلیل و کارکرد آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۲-۳. دعانویسی و اسفند دودکردن برای رفع چشم‌زخم

دعانویسی در نزد قوم بختیاری معمولاً برای رفع چشم‌زخم است. چشم‌زخم معمولاً به آزار و نقصانی گفته می‌شود که بر اثر نگاه آمیخته با تعجب، تحسین یا حسادت فرد یا افرادی به شخص یا چیزی می‌رسد. و «عبارت از آن است که شخصی چیزی حَسین [بسیار نیکو] و مرغوب را نگاه کند و به طریق حسد در وی نظر اندازد و بعضی گویند در چشم‌زخم، حسد ضروری نیست، گاهی نظر دوست هم کار می‌کند» (دهخدا، ۱۳۷۶: ذیل واژه). اعتقاد به چشم‌زخم یا شوری چشم پیشینه‌ای دیرینه دارد و انسان‌ها همواره از چشم‌زخم حسود می‌ترسیدند و به همین دلیل زیبایی‌ها و دارایی‌هایشان را از چشم دیگران پنهان می‌کردند و بر این باور بودند که هر چیز با ارزش و نفیسی که نگاه‌ها را متوجه خود کند، در معرض خطر چشم‌زخم قرار می‌گیرد (غلامحسین‌زاده، ۱۳۸۹: ۹۷). در این میان کودکان و حیوانات بیش از دیگران در معرض چشم‌زخم قرار می‌گیرند. به همین دلیل در در بیشتر مناطق بختیاری، برای جلوگیری از بروز چشم‌زخم ضمن استفاده از عباراتی مانند «خدا برکتش بدهد»، «ماشاءالله»، «نمک به بارش»، «خدا حفظش کند»، مقداری نمک در جیب کودک، داماد (هنگام جشن عروسی)، مهمان عزیزشده و مسافر از راه‌رسیده می‌ریزند. علاوه بر ریختن نمک، دعانویسی نوع دیگری است که برای رفع چشم‌زخم در قوم بختیاری به کار گرفته می‌شود. به عقیده بختیاری‌ها، دعاها در امر بهبود چشم‌زخم، جلوگیری از بیماری و مرگ‌ومیر نقش مؤثری دارند؛ به همین دلیل در جیب بیشتر بختیاری‌ها دعانوشته‌ای قرار دارد (حاجت‌پور، ۱۳۸۷: ۳۱).

رفتن به پیش دعانویس، معمولاً به وسیله زن خانه انجام می‌گیرد. پس از نگارش دعا، مقداری از دعا را همراه با اسفند در زیر پای شخص موردنظر دود می‌کنند. اشعاری را که در این هنگام می‌خوانند، چنین است:

دینشت بیارم دی کنم تیه حسود کور کنم

dine t byârom dee konom/ tiyâh hasooda koor konom

برگردان: اسفند بیاورم و دود کنم، چشم حسود [چشم‌شور] را کور کنم.

دیروابو دیروابو تیه حسود کور وابو

dirvâbo dirvâbo/ tiyâh hasood koor vâbo

برگردان: دور بشه، دور بشه، چشم حسود [چشم‌شور] کور بشه.

مقداری دیگر را در لیوان آب فرومی‌برند، سه بار به دور سر شخص موردنظر

می‌گردانند و به او می‌خورانند و می‌گویند:

ایشالله اوو شفا بو، درد بره که درمونت رسی

ishâlâh awo shafâ boo, dard bera ke darmoonat rasi

برگردان: ان‌شالله آب شفا باشد، درد برود که درمان به تو رسید.

و مقداری دیگر از دعا را در پارچه‌ای سبزرنگ می‌ریزند و همراه با چوب تاک، مهره

آبی و اسفند به بازوی کودک و شاخ یا گردن حیوان می‌بندند. در برخی موارد نیز آن را به گردن کودک یا شخص موردنظر می‌آویزند.

۲-۲-۳. داشتن اشیا برای سلامتی و دور ماندن از شر

در قوم بختیاری مانند دیگر اقوام از گذشته تا امروز، اشیا برای بلاگردانی به‌کار می‌روند.

«این عقیده سبب به‌وجود آمدن باورهای مربوط به فیتیش در بین قبایل شده است»

(خوارزمی، ۱۳۹۲: ۶). در قوم بختیاری کسی که در خانه، دست راست گرگ یا چشم

راست گرگ را داشته باشد، از خطر بیماری و چشم‌زخم در امان می‌ماند (حاجت-

پور، ۱۳۸۷: ۳۱). در این هنگام چنین ضرب‌المثلی رواج دارد:

گوشت گرگ وه چاله

goo te gorg va chala

برگردان: گوشت گرگ در اجاق باشد.

آن‌ها معتقدند که گوشت گرگ بلاهایی را که از طریق جن به انسان می‌رسد، دور می‌کند. آویختن مهره آبی‌رنگ در قن‌داق، بچه را از چشم‌زخم مصون می‌دارد. از میان اشیا، مهره‌ها و بازوبندها بیشترین عوامل بلاگردانی بوده‌اند؛ زیرا این اشیا نیرویی در خود داشته‌اند که بر ناملایمات غلبه می‌کرده است. در نزد قوم بختیاری، در بازوبندها که معمولاً سبزرنگ، تیره-رنگ و سیاه‌رنگ هستند، دعاهایی وجود دارد که همه برای سلامتی است (همان، ۳۱). وجود پارچه‌های تیره‌رنگ نشان از کشاورز و دامدار بودن مردمان این ایل دارد؛ زیرا رنگ تیره، رنگ جامه کشاورزان و دهقانان در ایران بوده است که هم سنت ایران باستان را تداعی می‌کند و هم با زمین تیره‌وتار و ویژگی‌های طبقه کشاورزان هماهنگ است (رک: ویدن‌گرن، ۱۳۹۳: ۳۰).

۳-۲-۲-۳. دم‌بند کردن و آویزان آن به سقف خانه

دم‌بند کردن معمولاً در هنگام شب و درست زمانی که حیوانات یا شخصی در کوه گم شود، خوانده می‌شود. این دعا که همان سوره شمس است، معمولاً توسط دعانویس یا شخص باسوادی خوانده می‌شود. در این هنگام مقداری خاکستر بر روی یکی از لبه‌های قیچی می‌ریزند و دعانویس با هر بار خواندن آن، مقداری از خاکستر را به هوا می‌پراکند. این عمل هفت مرتبه بعد از خواندن سوره شمس انجام می‌گیرد و در نهایت دو لبه قیچی را به هم می‌آورند و با نخ تیره‌رنگ یا سبزرنگی محکم می‌بندند. در این هنگام دم‌بند بسته شده است و نکته مهم این است که قیچی نباید بر زمین گذاشته شود و باید آویزان باشد. در صورت تماس با زمین، دعای دم‌بند باطل می‌شود. دیگر اینکه حیوان یا شخص گم‌شده اگر با حیوان درنده‌ای برخورد کند، از آسیب در امان است؛ زیرا عقیده دارند که دهان حیوان درنده - که معمولاً گربه‌سانان مدنظر است - بسته می‌شود و فقط زمانی که حیوان یا شخص موردنظر از آب رد شود، دعای دم‌بند باطل می‌شود. در هنگام بهار و به دلیل وجود عقرب، مار و دیگر حشرات و حیوانات سمی، دعای دم‌بند بسته و در سقف خانه‌ها آویزان می‌شود (مصاحبه).

دخیل‌بستن به درخت، توسل‌جستن به آب و سنگ از دیگر نمودهای بلاگردانی در نزد بختیاری‌هاست. به اعتقاد آنان، درختان و آب، روح و قدرت شفابخشی دارند. چشمه‌های زلال و «حمام بابااحمد» در خوزستان (اندیکا) از نمونه‌هایی است که آنان برای رفع بیماری

و دیگر امراض به آن پناه می‌برند. همچنین برای احشام و رفع کنه و درمان گری از این آب استفاده می‌کنند (حاجت‌پور، ۱۳۸۷: ۳۲).

۴. نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح‌شده، بلاگردانی در قوم بختیاری به دو صورت خونی و غیر خونی انجام می‌شود. از موارد بلاگردانی با خون برای دفع شر در نزد قوم بختیاری - که اهمیت بسیار زیادی دارد - آیین قربانی در روز عید قربان و نشانه‌گذاری با خون است که هر ساله انجام می‌شود. بلاگردانی عام‌تر از قربانی است و قربانی برای بلاگردانی به‌کار می‌رود. «قربانی عمل آیینی - مذهبی برای جلب رضایت خدا در جهت دفع شر و بلا (و باروری) است که در آن حیوان پرورش‌یافته به صورت خاصی تزیین می‌شود و در روز عید با شادی در اماکن مهم و مقدس سربریده می‌شود و ضمن مالیدن خون آن بر سروسورت، گوشت آن در بین مردم تقسیم می‌گردد». چنین تعریفی از قربانی، میان قربانی به معنای اخص کلمه و هرگونه خون‌ریختن تفاوت ایجاد می‌کند، برای مثال در عید قربان تمامی عناصر ارائه‌شده در این تعریف وجود دارند، حال آنکه در ریختن خون حیوان هنگام خرید خودرو عناصر کارکردی قربانی وجود ندارد؛ اما فصل مشترک میان این دو خون‌ریختن و نیت خیر برای دفع شر و بلاگردانی است. قوم بختیاری عمل آیینی قربانی را برای پیروی از فرمان الهی در قرآن کریم انجام می‌دهند؛ اما برخی از اعمال این قوم مانند انجام قربانی در بالای کوه، پرورش حیوان، تزیین آن و بریدن سر حیوان در پای درخت، ریختن خون بر زمین (جرعه‌افشانی) و مالیدن آن بر سروسورت نمودی اساطیری دارند.

نوع دیگر بلاگردانی خونی در قوم بختیاری با هدف دفع بلا و چشم‌زخم، خون‌ریختن در هنگام عروسی، دیدن خواب‌های وحشتناک، خرید خودرو و به‌دست‌آوردن مقامی مهم است. از مهم‌ترین نمودهای بلاگردانی غیر خونی در نزد این قوم می‌توان به دعانویسی برای رفع چشم‌زخم، داشتن اشیا برای سلامتی و دور ماندن از شر، دم‌بند کردن و آویزان آن به سقف خانه برای حفظ سلامتی اشاره کرد که هنوز هم بیشتر مردم این قوم به این موارد باور قلبی دارند.

پی‌نوشت‌ها

۱. منظور از ملاً در قوم بختیاری، آخوند یا روحانی نیست، بلکه همان استاد مکتب‌خانه در گذشته است.
۲. خداوندا، این قربانی به نیت من و افرادی از خاندان من که قربانی نکرده‌اند.

منابع

الف) منابع مکتوب

- قرآن کریم.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۲). *رساله در تاریخ ادیان*. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- انجوی شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۵۲). *تمثیل و مثل*. تهران: امیرکبیر.
- انکلساریان، بهرام گور تهمورس (۱۳۳۵). *بندهشن*. گجرات.
- بختیاری، علیقلی خان و عبدالحسین لسان‌السلطنه سپهر (۱۳۶۲). *تاریخ بختیاری*. ج ۲. تهران: اساطیر.
- ثروت، منصور و رضا انزابی‌نژاد (۱۳۷۷). *فرهنگ لغات عامیانه و معاصر*. تهران: سخن.
- حاجت‌پور، موسی (۱۳۸۷). *بختیاری و تحول زمان*. اهواز: معتبر.
- حاجت‌پوربیرگانی، مژگان (۱۳۸۶). *سایه‌های شاهنامه در بختیاری*. ج ۱. اراک: نویسنده.
- خوارزمی، حمیدرضا (۱۳۹۲). «باور بلاگردانی در شاهنامه». *فرهنگ و ادبیات عامه*. ش ۲. صص ۱-۲۴.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۶). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- رستگارفسائی، منصور (۱۳۸۸). *پیکرگردانی در اساطیر*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شوالیه، ژان و آلن گریبان (۱۳۸۸). *فرهنگ نمادها*. ترجمه سودابه فضایی. تهران: جیحون.
- صرفی، محمدرضا (۱۳۹۱). *باورهای مردم کرمان*. کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۶). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی‌همدانی. ج ۱۴. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- غلام‌حسین‌زاده، غلام‌حسین و دیگران (۱۳۸۹). «عوامل چشم‌زخم در شعر شاعران فارسی». *کهن‌نامه ادب فارسی*. س ۱. ش ۱. صص ۹۳-۱۱۰.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). *شاهنامه*. ج ۱-۵. به‌کوشش جلال خالقی‌مطلق. ج ۱. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

- فریزر، جیمز جرج (۱۳۸۸). *شاخه زرین*. ترجمه کاظم فیروزمند. چ ۶. تهران: آگاه.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۸۱). *امثال و حکم بختیاری*. شهرکرد: ایل.
- لسان، حسین (۱۳۵۵). «قربانی از روزگار کهن تا امروز». *هنر و مردم*. ش ۱۶۷. صص ۶۰-۷۰.
- مصطفوی، علی اصغر (۱۳۶۹). *اسطوره قربانی*. چ ۱. تهران: مؤلف.
- مونیکی، دوبکور (۱۳۷۶). *رمزهای زنده جان*. ترجمه جلال ستاری. چ ۲. تهران: مرکز.
- ناس، جان بایر (۱۳۸۷). *تاریخ جامع ادیان*. ترجمه علی اصغر حکمت. تهران: علمی - فرهنگی.
- نجمی، شمس‌الدین (۱۳۹۴). «واکاوای اسطوره جرعه افشانی». *ادب و زبان*. س ۱۸. ش ۳۸. صص ۳۴۳-۳۶۱.
- هال، جیمز (۱۳۹۰). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.
- هینلز، جان راسل (۱۳۹۳). *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه محمدحسین باجلان‌فرخی. چ ۴. تهران: اساطیر.
- واحد دوست، مهوش (۱۳۸۷). *نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه*. چ ۲. تهران: سروش.
- ویدن‌گرن، گئو (۱۳۹۳). *پژوهشی در خرقه درویشان و دلق صوفیان*. ترجمه و تحقیق بهار مختاریان. تهران: آگه.
- *یشت‌ها* (۱۳۴۷). گزارش ابراهیم پورداود. چ ۲. تهران: طهوری.

ب) منابع میدانی (مصاحبه‌شوندگان)

۱. آقاخانی بیژنی، محمد، ۵۵ ساله، چهارم‌حال و بختیاری، فلارد، روستای بیژن‌گن.
۲. حاجی‌پور، البرز، ۵۶ ساله، خوزستان، لالی.
۳. زارع، سهراب، ۶۰ ساله، چهارم‌حال و بختیاری، شهر جوتقان.
۴. سروستانی، عباس، ۷۴ ساله، خوزستان، باغ‌ملک.
۵. فتحی، عبدالله، ۵۸ ساله، چهارم‌حال و بختیاری، فلارد، روستای سپیدار.
۶. قاسمی‌سپاس، سوارعلی، ۷۰ ساله، چهارم‌حال و بختیاری، اردل، روستای گله‌شور.
۷. کاظمی، صفرعلی، ۷۰ ساله، خوزستان، مسجدسلیمان، اندیکا، روستای چهرو.
۸. کریمی، رستم، ۷۵ ساله، چهارم‌حال و بختیاری، کوه‌رنگ، بازفت.
۹. موسوی‌نظری، سیدرمضان، ۷۶ ساله، خوزستان، ایذه، روستای چم‌ریحان.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی